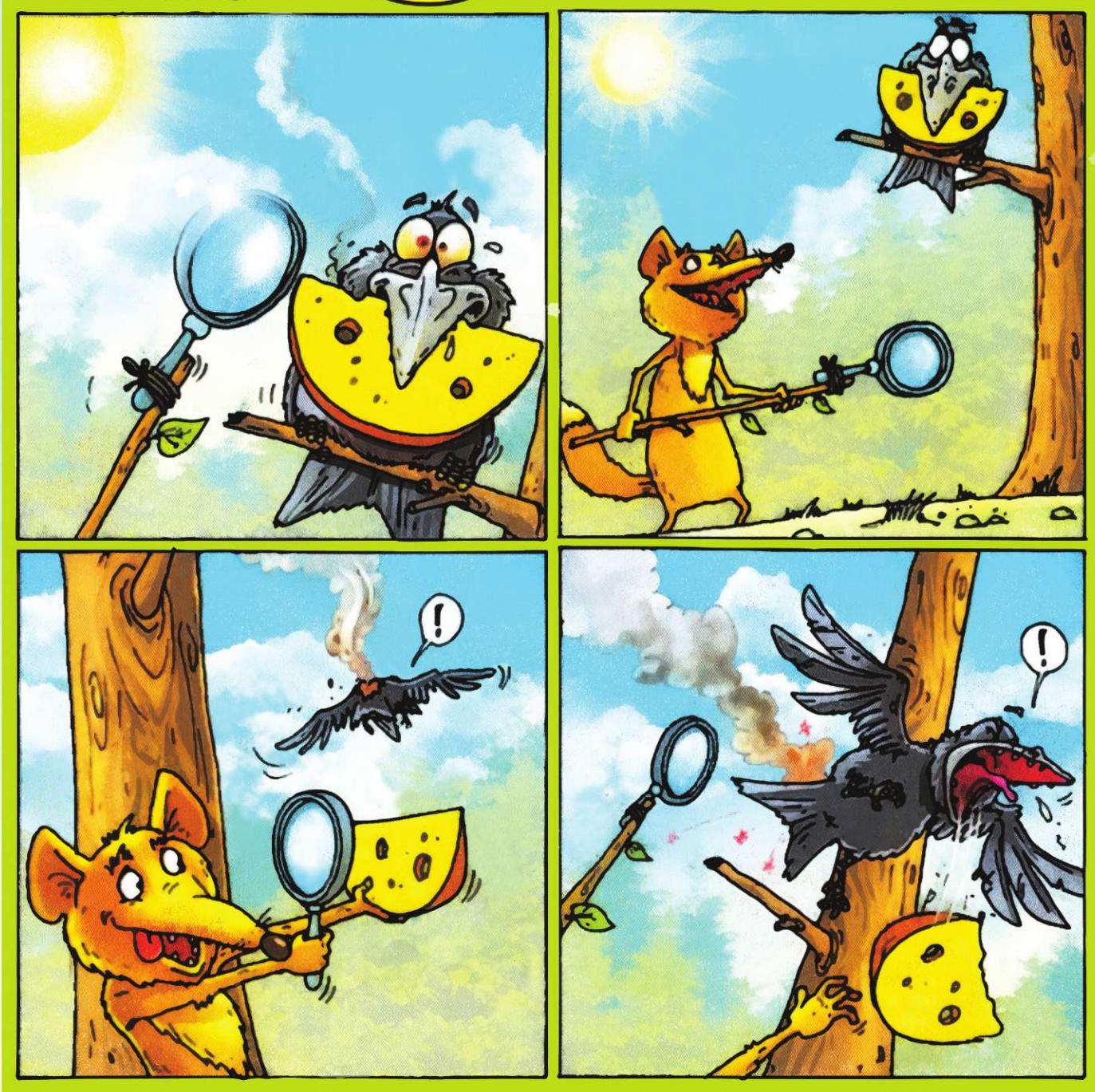




چهارم

دستان



لهم ظاهري

محصوله رفیق دوست



غدا

شاعر: پروین دولت آبادی



هدف: همه‌ی پدیده‌های جهان نشانی از وجود خداست.

ستایش

معنی واژگان

نهان: پنهان

دمع: لحظه‌ای

نیکی: خوبی

هرگز: هیچ وقت

.

یک چند: مدتی

از مادرم پرسیدم: «این خدایی که هم در خانه‌ی ما وجود دارد و هم وجود ندارد، چه کسی است؟»

تو به من گفتی که هیچ کس مهربان‌تر از خدا نیست؛ خدا لحظه‌ای از بندگان خودش جدا نمی‌شود.

چرا خدا هیچ وقت به خواب من نمی‌آید؛ چرا هیچ وقت خواسته‌های مرا جواب نمی‌دهد؟

وقتی داشتنی نماز صبح می‌خواندی تو را دیدم، حرف‌های تو با خدایت را شنیدم؛ ولی خدای تو را ندیدم.

مادرم آرام به من گفت: «فرزندم! مدتی، خدا را در دل خودت جست‌وجو کن.

خداؤند در رنگ و بوی گل‌ها پنهان است؛ بهار، باغ و گل نشانه‌هایی از وجود خداوند هستند.

فرزندم! خدا در پاکی‌ها، خوبی‌ها و روشنایی‌ها وجود دارد.»

به مادر گفتم: «آخرین خدا کیست؟
که هم در خانه‌ی ما هست و هم نیست

تو گفتی مهربان‌تر از خدا نیست
دمی از بندگان خود جدا نیست

چرا هرگز نمی‌آید به خوابم؟
چرا هرگز نمی‌گوید جوابم؟

نماز صلحگاهت را شنیدم
تو را دیدم، خدایت را ندیدم.»

به من آهسته مادر گفت: «فرزند!
خدا را در دل خود جوی، یک چند

خدا در رنگ و بوی گل، نیان است
بهار و باغ و گل، از او نشان است

خدا در پاکی و نیکی است، فرزند!
بُود در روشنایی‌ها، خداوند.»



درس اول؛ آفریدگار زیبایی

هدف: خداوند همه‌ی فصل‌ها را زیبا آفریده است و هر فصل، ویژگی خاص خودش را دارد.



معنی واژگان

رنگ‌های آتشین:	رنگ‌های گرم مانند زرد، نارنجی و قرمز	جهان‌افروز: روشن کننده‌ی جهان
سراغ:	پی‌چیزی رفتن، دنبال	داوری: قضاوت کردن
ارغوانی:	رنگ قرمز مایل به بنفش	پذیرفت: قبول کرد، به عهده گرفت
صنوبر:	نام درختی زیبا که شبیه درخت کاج است و در زمستان هم برگ‌هایش زرد نمی‌شود	نخست: اول، ابتدا
جلادان:	شفاف و پاکیزه کردن، صاف و براق کردن	آویخت: آویزان کرد
مهاجر:	کوچ کننده	نیلی: رنگ آبی تیره، کبود رنگ
قلم به دست گرفت:	نقاشی را آغاز کرد	پراکند: پخش کرد
نایدید ساخت:	نایدید کرد، ناییدا کرد	گوناگون: مختلف
قشر:	لایه، پوسته	غوك: قورباغه
برکه:	گودی کوچک و کم عمقی از زمین که در آن آب جمع شده باشد	
دل انگیز:	زیبا، جالب	نشانید: گذاشت، قرار داد
پر مهر:	با محبت، دوست‌داشتنی، گرم و دلنشیان	از پس: از پشت
خود نمایی:	خود را به خوبی نشان دادن	دست به کار شد: شروع به کار کرد، مشغول کار شد
چیره‌دست:	ماهر، زبردست	انبوه: بسیار زیاد، فراوان
شگفت‌انگیز:	تعجب آور، عجیب و غریب	زینت داد: آراست، تزیین کرد
لذت:	خوشی	گلگون: سرخ رنگ، به رنگ گل سرخ
هوشیار:	انسان باهوش، آگاه	تاب نیاوردن: طاقت نیاوردن، تحمل نکردن
معرفت:	شناخت	مزارع: جمع مزرعه، زمین‌های کشاورزی
کردگار:	خداوند	از کار درآمد: شد



برگ درختان سبز در نظر هوشیار

«سعده»

در نگاه انسان باهوش و آگاه، هر یک از برگ‌های سبز درختان، مانند دفتری برای شناخت خداوند استند.



صحبت - بقیه - نقاشی - تصمیم - جهان‌افروز - پذیرفت - گردنبند - صورتی - حشرات - پرنده‌گان - غوک - برکه - بگذار - تصویر - منظره - خاکستری - طبیعت - لذت - سراسر - بوته - آنبوه - تمشک - زینت داد - گلگون - تاب نیاوردن - طلایی - مزارع - آتشین - سراغ - لیمویی - ارغوانی - صنوبر - قطره - مهاجر - قشر - برّاق - سطح - دلانگیز - درّه - خودنمایی - چیره‌دست - شگفت‌انگیز - بگذارید - سعدی - نظر - هوشیار - معرفت



درگ معنی

(الف) درست و نادرست:

۱) بهار بر درختان، گردنبندهایی از میوه‌های صورتی آویخت

۲) زمستان بر تن کوهها و دشت‌ها، لباس سفید پوشانید.

۳) داور این مسابقه در پایان، یکی از نقاشی‌ها را انتخاب کرد.

(ب) پرسش و پاسخ:

۱) کدام فصل، پرستوهای مهاجر را نقاشی کرد؟



۲) دو مورد از ویژگی‌های نقاشی تابستان را بنویسید.

۳) ارتباط بیتی را که در پایان درس آمده است، با عنوان درس بنویسید.

تمرين

۱ با توجه به متن درس، در جاهای خالی واژه‌ی مناسب بنویسید.

..... بهار به شاخه‌های درختان، گردنبندهایی از گل‌های رنگارنگ در جنگل با رنگ نیلی، کوچک و بزرگ درست کرد و در اطراف آن‌ها گل‌های نرگس و بنفسه را پراکند. گوناگون مانند پروانه‌ها را روی گل‌ها نشان داد. خرگوش را میان جنگل و را در برکه نشانید.

۲ جمله‌هایی از متن درس پیدا کنید که واژه‌های زیر در آن‌ها به کار رفته باشد.

مزارع:

جهان افروز:

برّاق:

سراغ:

۳ با توجه به توضیح داخل پرانتز، با حروف به هم ریخته، واژه بسازید.



۴ با مرتب کردن واژه‌های زیر، جمله بسازید.

را * تابستان * سراسر * رنگ‌آمیزی * سبز تیره * کرد * جنگل * با

بسیار * خود * نیز * نقش * رساند * و * را * نگارهای * زمستان * به * زیبا * پایان



واژه آموزی

به نمودارهای زیر توجه کنید:



همان‌طور که در نمودارهای بالا می‌بینید، گاه با خواندن یا شنیدن یک واژه، واژگان دیگری که زیر مجموعه‌ی آن به شمار می‌روند، به ذهن ما می‌رسد؛ این واژگان در کنار هم، یک **شبکه‌ی مفهومی** را می‌سازند.

۵ هر یک از واژه‌های زیر، شما را به یاد چه واژگان دیگری می‌اندازد.

طیعت

ریاضی

۶

با توجه به زمان خواسته شده، جمله‌ها را تغییر دهید.



پاییز به رنگ کاج‌ها، سروها و صنوبرها دست نزد.

(حال)

(الف)

(آینده)

(ب)

(گذشته)

(پ)

(آینده)

(ت)

در زیر نگاه پر مهر او، دشت‌ها و جنگل‌ها زیباتر خودنمایی می‌کنند.



۷ جدول زیر را کامل کنید.



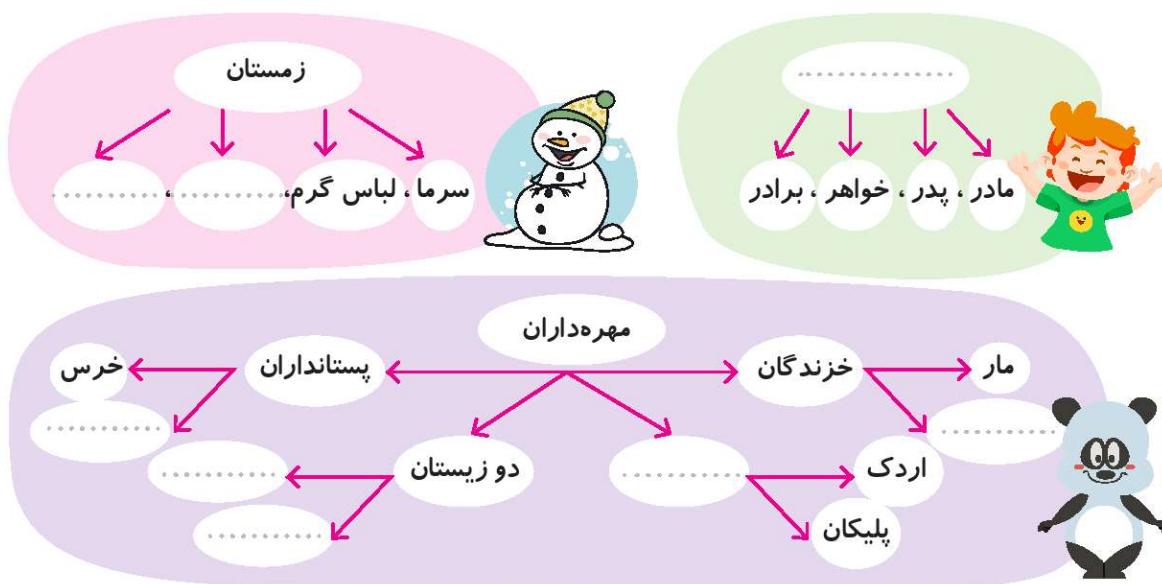
منظم	معرفت	لطیف	واژه
			هم معنی مخالف هم خانواده



(تغییق با علوم۳)

با توجه به قسمت‌های داده شده در هر نمودار، جاهای خالی را پر کنید.

۸



(تغییق با هدیه‌های آسمانی، علوم۳ و ریاضی)

زمان جمله‌های زیر را مشخص کنید.

۹

(الف) خدا حضرت موسی را برای مبارزه با فرعون و هدایت قوم بنی اسرائیل فرستاد.

(ب) دانشمندان درباره‌ی پاسخ پرسش‌هایشان، پیش‌بینی خواهند کرد.

(ج) در جدول ارزش مکانی، بعد از خانه‌ی یک‌ها، خانه‌ی هزارها است.

نکارش

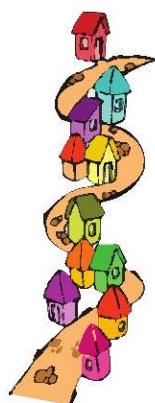
همان‌طور که در سال گذشته آموختید، برای نوشتن یک بند منسجم اولین و مهم‌ترین مرحله، **انتخاب موضوع** است.

(تغییقی با مطالعات اجتماعی)

درباره‌ی موضوع زیر، یک بند بنویسید.

۱۰

موضوع: رعایت حقوق همسایه‌ها





بخوان و حفظ کن

خبر داغ

شاعر: شکوه قاسم نیا

هدف: توصیف آمدن فصل پاییز در طبیعت



معنی واژگان

گریخت: فرار کرد

تک تک: یکی یکی

رمه: گله

سار: پرندۀای کوچک

هوهو: صدای وزش باد، زوزه‌ی باد

ته: آخر، انتها

خبر داغ: خبر مهم و تازه که توجه همه را جلب می‌کند.

تپید: جنیبد، بی قرار شد، حرکت کرد

خیازه: باز شدن دهان به خاطر خستگی و خواب آلوودگی

معنی مصraig‌ها

کلاغ خبری داشت، خبر را در گوش درخت گفت و برگ‌های درخت،
یکی یکی از روی شاخه‌ها بر زمین ریخت.

سار [که خبر کلاغ را شنیده بود] از روی شاخه پرید و تا انتهای باغ
پرواز کرد و آنچه را از کلاغ شنیده بود به سبزه و گل گفت.

غنجه‌ها بی تاب و بی قرار شدند، گلبرگ‌ها از ترس، رنگشان پرید،
برگ کسل و بی حوصله شد و سبزه‌ها خواب آلووده شدند (برگ و
سبزه زرد و پژمرده شدند).

خبری داشت کلاغ
گفت در گوش درخت
برگ‌ها تک تک ریخت
از سر و دوش درخت

سار از شاخه پرید
بال زد تا به باغ
گفت با سبزه و گل
هرچه را گفت کلاغ

دل هر غنجه تپید
رنگ گلبرگ پرید
برگ، بی حوصله شد
سبزه، خیازه کشید







درس دوم: کوچ پرستوهای

هدف: بیان شگفتی‌های آفرینش خداوند و آشنایی با پرستوهای



معنی واژگان

بام:	بالای ساختمان، پشت بام	اوایل:	جمع اول، ابتدا
جنب و جوش:	تلاش و فعالیت بسیار، هیجان	لطیف:	نرم، ملایم
برمی خیزیم:	بلند می شویم	دلنشین:	جدّاب، زیبا و قشنگ
نشان:	نشانه، علامت	جامه:	لباس
معلوم:	مشخص	نخستین:	اولین
تفییر:	دگرگونی	آسیب:	صدمه
می ربایند:	می دزدند	به سر برده‌اند:	گذرانده‌اند
پی در پی:	پشت سر هم، پیوسته	راه و رسم:	شیوه، روش
شگفتی:	تعجب، حیرت	آسودگی:	آرامش، راحتی
سپری شد:	گذشت، به پایان رسید، تمام شد	دشواری:	سختی، زحمت
پیمودن:	طی کردن، پشت سر گذاشتن	کمیاب:	آنچه کم است، نادر، چیزی که به راحتی در دسترس نیست.
پیشین:	گذشته، قبلی، مربوط به گذشته	ناچار:	ناگزیر، مجبور
راهیابی:	یافتن راه و مسیر	معتدل:	آب و هوایی که نه گرم است و نه سرد
نهاده است:	قرار داده است	کوچ:	مهاجرت، از جایی به جایی رفتن

معنی چمله

دشت‌ها جامه‌ی سبز می‌پوشند: تمام دشت‌ها سبز می‌شود.

واژگان املایی

اوایل - لطیف - دلنشین - جامه - پرندگان - دوستداشتنی - نخستین - گذشته - آسیب - عهده - حشرات - می‌گذارد - آسودگی - آغاز - کمیاب - معتدل - گفت و گو - مشغول - جنب و جوش - برمی خیزیم - معلوم - طولانی - خطرها - تغییرات - حمله - عقاب - شاهین - قرقی - چنگال - بازگشت - پیمودن - پیشین - راه یابی - نهاده



(الف) درست و نادرست:

۱) در فصل بهار، پرستوها سفر دور و دراز خود را آغاز می‌کنند.

۲) پرستوهای جوان، ساختن لانه را خودشان به عهده می‌گیرند.

۳) در کوچ پرستوها، خطری آنها را تهدید نمی‌کند.

(ب) پرسش و پاسخ:

۱) نخستین کار پرستوها، پس از بازگشت از سفر دور و درازشان، چیست؟

۲) چرا پرستوها ناچار می‌شوند به جاهای معتمدتر کوچ کنند؟

۳) اغلب، چه حیواناتی پرستوها را شکار می‌کنند؟

تمرین

۱) واژه‌های خواسته شده را از متن درس پیدا کنید و بنویسید.

(الف) واژه‌ای که در آن حرف «ع» و «ت» وجود دارد:

(ب) مخالف «فراوانی»:

(پ) همان لباس است:

(ت) هم خانواده‌ی «علم»:

۲) با توجه به متن درس، هر یک از واژه‌های زیر، با چه واژه‌ای توصیف شده است؟



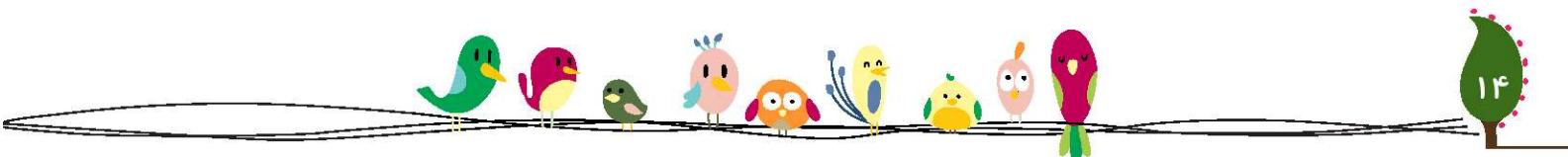
پرنده‌گان

راهی



چنگال‌های

جامه‌ی





۳ با استفاده از حروف به هم ریخته، واژه‌ای هم معنی با واژه‌ی داخل اشکال هندسی پیدا کنید و بنویسید. (در هر قسمت، یک

حرف اضافه است).



قرار می‌دهد:
ر گ ۱
ز ۲ م ۳
د ۴ ی ۵

دگرگونی‌ها:
ر ۱ ت
غ ۲ ی ۳ ق
ت ۴ ی ۵

آرامش:
س ۱
د ۲ گ ۳
ی ۴ آ ۵

ناتوان:
ف ۱
ظ ۲ ع ۳
ی ۴ ض ۵

۴ با توجه به متن درس، دو واژه در جاهای خالی قرار دهید که صفت مناسبی برای واژه‌ی «هوا» باشند.

در اوایل بهار، هوا و می‌شود و دشت‌ها جامه‌ی سبز می‌پوشند.

۵ واژه‌های هم معنی را به هم وصل کنید.



غوك
مسئولیت
سختی
آویزان کرد
تماشا

آویخت
قورباغه
ناظاره
عهده
دشواری

دانش زبانی

سال گذشته تا اندازه‌ای با علائم نگارشی آشنا شدید و آموختید که **ویرگول (،)** نشانه‌ی مکث و توقف کوتاهی در حین خواندن جمله است.

به جملات زیر توجه کنید:

پدر، علی آمد.

پدر علی آمد.

جمله‌ی دوم به صورت **پدر علی آمد** خوانده می‌شود؛ حال آنکه در جمله‌ی اول به پدر، خبر آمدن علی داده می‌شود.

همان‌طور که می‌بینید، ویرگول در درست خواندن جمله و درک معنی آن مؤثر است.

ویرگول، برای جدا کردن واژه یا عبارت یا برای جدا کردن اسم‌های اشخاص و ... نیز به کار می‌رود.

مثال: سعدی، حافظ، مولانا و فردوسی از شاعران بزرگ فارسی هستند.

۶ در کدام یک از دایره‌ها علامت (،) قرار می‌گیرد، آن را رنگ بزنید.



(الف) این همه شگفتی دانایی و زیبایی را چه کسی در پرستوهای کوچک نهاده است؟

(ب) دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم شگفتی‌های فراوانی دارد.

(ج) در اوایل بهار هوا لطیف و دلنشیں است.

۷ متن زیر را بخوانید و علامت‌های نگارشی آن را بگذارید. (، ، « » ، ؟)

آموزگار گفت برای کشیدن یک نقاشی زیبا به وسایلی مانند کاغذ مداد رنگی مداد مشکی و پاکن

نیاز داریم زهرا پرسید اگر یکی از این وسایل نباشد باز می‌توان نقاشی کشید

۸ بند را بخوانید و هر کجا لازم است، با مداد قرمز (،) بگذارید.

در همه جای دنیا در روستاهای کوچک و شهرهای بزرگ هر جا که مسلمانان زندگی می‌کنند مسجد نیز وجود دارد.

مسجد نقش‌های مختلفی در زندگی مسلمانان دارد:

حل مشکلات محله برگزاری کلاس‌های آموزشی برپایی نماز جماعت و ...



داستان را بخوانید سپس به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

پیرمرد فقیری درخت پرتقالی در باغچه‌ی خانه‌اش داشت. روزی از روزها، درخت، پرتقال بسیار بزرگی به بزرگی یک توپ فوتیال داد. پیرمرد گفت: «بهتر است این پرتقال بزرگ را به پادشاه هدیه کنم.» پرتقال را چید و در یک گاری دستی گذاشت و به قصر پادشاه برد. پادشاه از آن هدیه خوشش آمد و به پیرمرد پول زیادی داد. یکی از نزدیکان پادشاه که این ماجرا را دیده بود، با خود گفت: «پادشاه برای یک پرتقال این قدر پول داد، اگر من نیز فنجان طلایم را به او بدهم، حتماً چیزهای ارزشمندتری به من هدیه می‌دهد.» مرد فنجان طلایش را به کاخ برد و به شاه هدیه کرد. شاه فنجان طلایی را گرفت و گفت: «بهبه! چه فنجان زیبایی به من هدیه دادی، من نیز این پرتقال زیبا را به تو هدیه می‌دهم.»

(الف) داستان در چه فصلی اتفاق افتاده است؟ چرا؟

(ب) دو جمله از داستان را بنویسید که در آن نشانه‌ی «،» به کار رفته باشد.

(پ) پادشاه چه شخصیتی داشت؟ چرا؟



نکارش

در نوشنی یک بند، بعد از انتخاب موضوع مناسب، آن را به موضوعات کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم سپس موضوعی را که درباره‌ی آن اطلاعات بیشتری داریم، انتخاب کرده و درباره‌ی آن می‌نویسیم.

۱۰ فصل پاییز را به موضوعات کوچک‌تر تقسیم کنید سپس به دلخواه یکی را انتخاب کرده و درباره آن یک بند بنویسید.

موضوع کلی: پاییز

موضوعات کوچک‌تر:



(الف)

(ب)

(پ)



۱۱ ضرب المثل‌های زیر را کامل کنید و به دلخواه، درباره‌ی یکی از آن‌ها یک بند بنویسید.

(الف) کوه به کوه نمی‌رسه؛ اما.....

(ب) سحر خیز باش تا.....



بخوان و بیندیش

در جست و جو

هدف: تقویت روان خوانی و درک این نکته که
خدا در همه جا هست.



لابد: حتماً، بدون شک

شگفت زده: کسی که تعجب کرده، مُتعجب

جست و خیزکنان: پرشکنان

فرصت: وقت، زمان

اعتراض کرد: ایراد گرفت

اصلًا: هرگز



غمگین - بی بی سکینه - طفلکی - سنجاب - این قدر - موقع - لابد - غُصه خوردن - تصمیم - هر طور - چطور - نظر - حتماً -
شگفت زده - جست و خیزکنان - تعجب - فرصت - اعتراض - اصلًا - عالم - البته - لطف - قهوه‌ای - هیجان - التماس - ضعیف -
نعمت - منتظر - عشق - محبت



پرسش و پاسخ:

(۱) چرا موشکا تصمیم گرفت خدا را پیدا کند؟

(۲) موشکا در راه پیدا کردن خدا با چه موجوداتی هم صحبت شد؟

(۳) آیا موشکا توانست خدا را پیدا کند؟

(۴) شما چه نشانه‌هایی از وجود خدا می‌شناسید؟

حکایت

قوی ترین حیوان جنگل

هدف: مغزور نبودن به توانایی‌های خود



- | | |
|--|------------------------------|
| غرسه: خودپسندی، تکبُر | برخاست: بلند شد |
| قوی پیکر: قوی جنّه، موجودی که اندامی قوی دارد. | سؤال: پرسش |
| خرطوم: بینی بزرگ فیل | اوقات: جمع وقت، زمان، روزگار |



چرا اوقات تلخی می‌کنی؛ چرا عصبانی می‌شوی، چرا ناراحت می‌شوی.



غرور - خودپسندی - خرطوم - چرخاند - محکم - برشاست - سؤال - اوقات

ضرب المثل، سخن کوتاه و مشهوری است که به قصه‌ای عبرت آمیز با گفتاری نکته آموز اشاره می‌کند.

ابن حکایت به ضم بالمثنا، «دست بالا، دست بسیار است» اشاره دارد.



- ۱ همان «گله» است. ←

۲ ترس. ←

۳ از شاعران خوش سخن ایرانی. ←

۴ جانوری دو زیست که در بر که ←

۵ زندگی می‌کند. ←

۶ مترادف واژه‌ی «لایه». ←

۷ هم معنی واژه‌ی «خلقت» است. ←



پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱ ویرگول در جمله، نشانه‌ی چیست؟

۴ گزینه‌های ۲ و ۳

۳ مکث کوتاه

۲ جدا کردن اسم‌ها

۱ تعجب و حیرت

۲ در کدام گزینه زمان فعل، گذشته نیست؟

۲ جوجه‌ها از تخم بیرون آمدند.

۱ در لانه‌ی پدر و مادر خود به سر برده‌اند.

۳ پرستوها کوچ کرده‌اند.

۳ آن‌ها برای خود لانه می‌سازند.

۳ در کدام گزینه، به ترتیب، متراծ و اژه‌های «غوك، قشر، کمیاب، پیمودن» آمده است؟

۲ لایه - رفتن - نادر - قورباغه

۱ قورباغه - تبع - نادر - رفتن

۳ قورباغه - لایه - طی کردن - نادر

۳ قورباغه - لایه - نادر - طی کردن

۴ کدام گزینه مربوط به «مدرسه» نیست؟

۴ آزمایشگاه

۳ آشپزخانه

۲ تخته سیاه

۱ کلاس

۵ در شعر «خبر داغ»، خبر داغ کلاغ چه بود؟

۴ گریختن آهو از دشت

۳ بارش باران

۲ برگشتن گله به ده

۱ آمدن پاییز

۶ کدام واژه هم خانواده‌ی «معتدل» نیست؟

۴ عادل

۳ عدد

۲ عدل

۱ اعتدال

۷ به ترتیب، در پایان هر یک از جملات «امری - تعجبی - پرسشی - خبری» کدام یک از علامت‌های نگارشی قرار می‌گیرد؟

۴ (۱، ۱، ۱)

۳ (۱، ۱، ۱)

۲ (۱، ۱، ۱)

۱ (۱، ۱، ۱)

۸ در کدام گزینه، غلط املایی وجود دارد؟

۱ آن‌ها تصمیم گرفتند خورشید جهان افروز را به داوری انتخاب کنند.

۲ سطح رودخانه را با قشر نازکی از یخ، برابغ کرد.

۳ پرستوها، بهار و تابستان را به آسودگی به سرمی برند.

۴ جوجه‌ها راه و رسم زندگی را از پدر و مادر خود می‌آموزنند.

۹ مفهوم بیت «برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار» چیست؟

۲ برگ درختان سبز نشانه‌ی ای برای شناخت خدا است.

۱ در فصل بهار، برگ درختان سبز می‌شود

۴ گزینه ۱ و ۳

۳ برگ درختان مانند ورقه‌های دفتر است

۱۰ «ات» در کدام گزینه نشانه‌ی جمع نیست؟

۴ شکلات

۳ حشرات

۲ موجودات

۱ خاطرات